

Development of a Marital Satisfaction Model Based on Self-Differentiation with the Mediating Role of Family Boundaries

Hakimeh Ghaffari Asl ganjine ketab*

Mohammad Mahdi Safurai Parizi**

Sohrab Abdi Zarin***

Abstract

The present study was conducted with the aim of developing a marital satisfaction model based on self-differentiation with the mediating role of family boundaries. The method of this research is correlation based on structural relations; For this purpose, 366 couples from Tehran city were selected using available sampling and were asked the Marital Satisfaction Questionnaire with an Islamic approach (Jadiri et al., 2016), the self-differentiation list (Skorn, 2000) and the Family Boundaries Questionnaire (Hoshiari et al., 1400) answered. Data analysis was done using structural equation modeling; Also, SPSS and AMOS software were used to classify, process, analyze data and check research hypotheses. The evaluation of the hypothetical research model using fit indices showed that the hypothetical model fits the measurement model (CFI = 0.95, NFI = 0.92, RMSEA = 0.07) and the research results showed that its differentiation With the mediation of family boundaries, it has a significant effect on marital satisfaction at the level of $P < 0.05$; also, family boundaries play a mediating role in the relationship between marital satisfaction of couples It can be important in couples.

Keywords: differentiation, family boundaries, marital satisfaction, couples.

* PhD student, Counseling Department, Qom Branch, Faculty of Humanities, Islamic Azad University of Qom, Iran, hakimehghaffari9@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Jamia Al-Mustafa Al-Alamiya University, Qom, Iran (corresponding author), safurayi@gmail.com.

*** Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Qom, Qom, Iran, S.Abdizarrin@gmail.com.

تدوین مدل رضایت زناشویی براساس تمایزیافتگی خود با نقش میانجی مرزهای خانواده

حکیمه غفاری اصل گنجینه کتاب*

محمد مهدی صفورائی پاریزی**

سهراب عبدی‌زرین***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل رضایت زناشویی براساس تمایزیافتگی خود با نقش میانجی مرزهای خانواده صورت گرفت. روش این پژوهش همبستگی مبتنی بر روابط ساختاری است؛ بدین منظور ۳۶۶ نفر از زوجین شهر تهران با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی (جدیری و همکاران، ۱۳۹۶)، سیاهه تمایزیافتگی خود (اسکورن، ۲۰۰۰) و پرسشنامه مرزهای خانواده (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد؛ همچنین برای طبقه‌بندی، پردازش، تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. ارزیابی مدل فرضی پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازندگی نشان داد که مدل فرضی با مدل اندازه‌گیری برآزش دارد (RMSEA= ۰/۰۷، NFI = ۰/۹۲، CFI=۰/۹۵). نتایج پژوهش نشان داد که تمایزیافتگی خود با واسطه‌گری مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی در سطح $P < ۰/۰۵$ تأثیر معناداری دارد؛ همچنین مرزهای خانواده در رابطه بین تمایزیافتگی خود با رضایت زناشویی زوجین نقش میانجی ایفا می‌کند. پس برای بهبود رضایت زناشویی، مداخله در تمایزیافتگی و مرزهای خانواده در زوجین می‌تواند اهمیت داشته باشد. **واژگان کلیدی:** تمایزیافتگی، مرزهای خانواده، رضایت زناشویی، زوجین.

* دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، واحد قم، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، ایران
hakimeghaffari9@gmail.com

** دانشیار، گروه روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
(نویسنده مسئول)
safurayi@gmail.com

*** دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران
S.Abdizarrin@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

مقدمه

خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم در هر جامعه‌ای و به ویژه در جامعه ایران است؛ چنان‌که خانواده از عملکرد مناسبی برخوردار باشد، اعضای خانواده نیز از سلامت و بهزیستی مطلوبی برخوردار خواهند بود. استواری و استحکام خانواده به ازدواج و رابطه زناشویی پایدار و بنیادین بستگی دارد؛ یعنی هرگونه تزلزل و سستی در رابطه زناشویی و یا عدم وجود یک ازدواج موفق افزون بر آنکه آرامش روانی زوج‌ها را مختل می‌کند، بقا و دوام خانواده را نیز در معرض خطر قرار خواهد داد (نورپناه و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۶۴). ازدواج رضایت‌بخش در ایجاد یک نهاد خانوادگی باثبات و کاملاً کارآمد در هر جامعه‌ای اساسی است؛ همچنین کیفیت ازدواج بهترین پیش‌بینی کننده خوشبختی است (عابدین^۱ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۴۰۸). با توجه به این مسئله، بررسی عوامل تسهیل‌کننده در روابط زوجین و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه است (منتظری، ۱۴۰۱، ص ۲۰۰). یکی از عوامل مهم در ارتباط با زندگی زناشویی و کیفیت ازدواج، رضایت زناشویی^۲ است (دونگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۶۸۲). رضایت زناشویی به عنوان وضعیتی تعریف می‌شود که تعاملات متقابل افراد متأهل و ارزیابی ذهنی از تمام تجربیات عاطفی و شناختی در ازدواج را دربرمی‌گیرد (چلیک^۴ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۲). در واقع رضایت رضایت زناشویی مفهومی چندوجهی است که کیفیت‌های مختلفی مانند سازگاری، شادی، صداقت و تعهد را در رابطه با ازدواج در بر می‌گیرد (چیش^۵ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۴). داشتن یک ازدواج رضایت‌بخش به انعطاف‌پذیری بیشتر در مدیریت فشارهای زندگی، کاهش خطر آسیب‌های روانی، سازگاری بهتر، طول عمر بیشتر (ویزمن^۶ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۰۴۱) و مشکلات سلامت روان کمتر می‌انجامد (ویزمن و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۲۳۳)؛ همچنین رضایت زناشویی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای بهزیستی و کیفیت زندگی در میان‌سالانی است (نونز^۷ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱). وانگ^۸ و همکاران (۲۰۱۸، ص ۵۶۵) معتقدند با توجه به آنکه ازدواج‌های با کیفیت، محافظت در برابر استرس را فراهم می‌کند، زوج‌های خوشبخت نسبت به زوج‌هایی که از ازدواج‌شان ناراضی هستند، رفاه و سلامت بهتری نشان می‌دهند. نتایج پژوهش

1. Abidin, I.
2. Marital Satisfaction
3. Dong
4. Çelik, E.
5. Chiş, I.
6. Whisman
7. Nunes
8. Wang

گرانا^۱ و همکاران (۲۰۱۷، ص ۱) نیز نشان داد که نحوه درک مردان و زنان از رضایت از رابطه بر تفسیر آنها از پرخاشگری روانی و فیزیکی در هنگام تجربه مشکلات اثر می‌گذارد. زنانی که نارضایتی از رابطه را گزارش کردند، تمایل داشتند پرخاشگری روانی بیشتری ابراز کنند.

همچنین تحقیقات نشان دادند که یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند با هم ارتباط برقرار کنند و با هم متفاوت باشند (جانسون^۲ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۵۳۴). یکی از ایده‌های مرتبط با توانایی فرد برای رسیدن به صمیمیت و به دنبال آن رضایت زناشویی، تمایز یافتگی خود^۳ است (اینجه و ایشیک^۴، ۲۰۲۲، ص ۴۰۷). تمایز یافتگی خود مفهومی است که آن را بوون^۵ مطرح کرد و به توانایی تعادل فرآیندهای عاطفی و فکری در سطح درون روانی و ایجاد تعادل بین فردیت با تجربه صمیمیت در سطح بین فردی اشاره دارد (موزاس-آلونسو^۶ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۱). افراد با سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود قادر به تعدیل بهتر برانگیختگی عاطفی تجربه شده در موقعیت‌های چالش برانگیز بین فردی هستند و در نتیجه بلوغ عاطفی و شایستگی بین فردی بیشتری نشان می‌دهند (رودریگز-گونزالز^۷ و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۵۵۳). بوون فرض کرد که تمایز یافتگی خود یک ویژگی پایدار است که در اوایل بزرگسالی شروع می‌شود؛ اگرچه می‌تواند با رویدادهای استرس‌زا مهم زندگی، موقعیت‌های استرس‌درازمدت یا روان‌درمانی دستخوش تغییر شود (کالاتراوا^۸ و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۲). همچنین سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود با سلامت جسمانی بهتر (پلگ^۹ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۳۴۱)، سلامت روانی (یاووز-گولر و کاراکا، ۲۰۲۱^{۱۰})، ص ۱۱۳) و شایستگی بیشتر والدین مرتبط است (فینزی-دوتان و شیف^{۱۱}، ۲۰۲۲، ص ۱۷۹). تحقیقات انجام شده درباره تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی، نتایج متناقضی را گزارش می‌کند؛ برای مثال نتایج ایشیک^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۰، ص ۲۳۵) نشان داد که تمایز یافتگی خود با سطوح بالاتر سازگاری زناشویی مرتبط است و به رضایت از زندگی

1. Grana
2. Johnson
3. self-differentiation
4. İnce & Işık
5. Bowen
6. Mozas-Alonso
7. Rodríguez-González
8. Calatrava
9. Peleg
10. Yavuz-Güler & Karaca
11. Finzi-Dottan & Schiff
12. Işık

می انجامد. یافته‌های باقری و همکاران (۱۳۹۹، ص ۲۶۱) نیز گویای آن بود که با افزایش میزان تمایز یافتگی خود، میزان صمیمیت زناشویی در زنان متأهل غیر بالینی افزایش می‌یابد؛ همچنین لال و بارتل-هرینگ^۱ (۲۰۱۱، ص ۱۶۹) نشان دادند که زوج‌های دارای درجه پایین‌تری از تمایز یافتگی خود، بلوغ عاطفی کمتر و ظرفیت کمتری برای صمیمیت یا استقلال دارند؛ در حالی که زوج‌های دارای سطح بالاتری از تمایز یافتگی خود، انعطاف‌پذیرتر هستند، قدرت تحمل بهتر و صمیمیت بیشتری دارند؛ افزون‌بر این، گیونس^۲ (۲۰۱۹، ص ۱) دریافت سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود ممکن است ظرفیت تسهیل بخشش را در یک زوج یا روابط زناشویی برای افزایش رضایت از رابطه داشته باشد. همچنین داشتن توانایی نشان دادن آزادی مانند بخشش در روابط ممکن است به تثبیت ارتباط عاطفی و طول عمر در یک رابطه کمک کند؛ در حالی که نتایج پژوهش قاسمی و فتحی (۱۳۹۸، ص ۷۷) نشان داد که تمایز یافتگی و ابعاد آن توان پیش‌بینی صمیمیت زناشویی را ندارند. بیرامی (۱۳۹۱، ص ۶۶) نیز نشان داد که از بین مؤلفه‌های تمایز یافتگی خود، تنها خرده‌مقیاس موقعیت من با رضایت زناشویی رابطه دارد و بین واکنش هیجانی، همجوشی و بریدگی عاطفی با رضایت زناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد. شاید یکی از دلایل گزارش‌های متناقض در نظر نگرفتن مؤلفه‌های میانجی بین رضایت زناشویی و تمایز یافتگی خود است؛ بدین سبب محققان به دنبال بررسی متغیرهای واسطه‌ای برآمده‌اند (باشی عبدل‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۲۵). یافته‌های علمی نشان می‌دهند که مرزهای خانواده^۳ از جمله مؤلفه‌هایی است که با هر دو مؤلفه رضایت زناشویی (نورتون و باپتیست، ۲۰۱۴، ص ۵۸) و تمایز یافتگی خود (سان^۵ و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱) ارتباط دارد.

مرزها خطوط فرضی روان‌شناختی هستند که افراد را از نظر روانی از هم جدا می‌سازد و در خدمت حفظ و پیشبرد، تمایز و یکپارچگی کل خانواده و تک‌تک اعضای آن قرار دارد (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸). مرزهای خانواده به جنبه‌های ارتباطی اعضای خانواده اشاره می‌کند و اموری مانند روابط کلامی و غیرکلامی، مسئولیت‌ها، توقعات متقابل و قواعد ارتباطی اعضای خانواده، مقررات، کیفیت و کمیّت عضویت در خانواده و زیرمنظومه‌های آن را دربرمی‌گیرد؛ در حقیقت مرزها همان انتظارات متقابل و مقرراتی است که اعضا نسبت به یکدیگر و نسبت به بیرون

1. Lal, Bartle Hring

2. Givens

3. Boundaries of the Family

4. Norton & Baptist

5. Sun

از خانواده دارند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸). بنا بر گفته مینوچین (۱۹۷۴)؛ به نقل از کیانی چلمردی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۴) عملکرد ایدئال خانواده زمانی رخ می‌دهد که مرزها مشخص هستند و تعادلی بین استقلال و اتحاد برقرار باشد. مرزها باید به اندازه کافی قوی باشند تا از رشد سالم سیستم حمایت کنند؛ در حالی که هنوز یک جریان پایدار در درون و بیرون سیستم برقرار است. وجود مرزها موجب می‌گردد نقش‌ها براساس مسئولیت‌ها و حقوق تقسیم شوند؛ همچنین مرزها شرایط ارتباط براساس احترام متقابل را تسهیل می‌کنند (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹). مینوچین مرزها را در دامنه خشک که نشانگر تعاملات محدود و ازهم گسستگی است، تا هم‌جوشی که نشانگر تعاملات شدید و مکرر بین زیرسیستم‌هاست و به درهم آمیختگی می‌انجامد، تعریف می‌کند. از نظر او در وضعیت بهینه، مرز حالتی بینابینی دارد و زمینه ارضای نیازها و استقلال نسبی زیرسیستم‌ها را فراهم می‌کند (چراغی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۰۱). نظریه پردازان ساخت‌نگر بر کلیت نظام خانواده، تأثیر سازمان مرتبه‌ای خانواده و کارکرد به هم پیوسته زیرنظام‌های آن تأکید دارند و این امور را تعیین‌کننده اصیل کیفیت بهزیستی اعضا می‌دانند (صفورائی پاریزی و فامیل دردشتی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۴). مهم‌ترین زیرنظام خانواده، زیرنظام «همسری» است که از یک زن و مرد تشکیل می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵، ص ۱۱). در رویکرد ساخت‌نگر فرض بر این است که وجود مرزهای معین، مشخص، تصریح‌شده و توافق‌شده میان همسران که زیرعنوان مرزهای سالم قرار می‌گیرد، کنش‌وری مطلوب را موجب می‌شود و خانواده را در رسیدن به اهداف آن و تحقق رضایت‌مندی اعضا هدایت می‌کند؛ در مقابل، مرزهای ناسالم موجب اختلال در کنش‌وری خانواده و در نتیجه ناراضماندی اعضا می‌شود (جان‌بزرگی، ۱۳۹۵، ص ۱۲). مرزهای ناسالم، فاقد ویژگی‌های پیش‌گفته بوده، بیانگر آشفتگی، ابهام، خشکی، نفوذناپذیری و انعطاف‌ناپذیری نامناسب در الگوهای ارتباطی است. این مرزها یا چنان باز می‌باشد که استقلال، خودمختاری و فردیت اعضا را از بین می‌برد یا چنان خشک و بسته است که امکان وابستگی متقابل تعامل اعضا و توان انطباق نظام با تغییرات مراحل گذار را از آن سلب می‌کند (صفورائی پاریزی و فامیل دردشتی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۴). نتایج کر و یولن^۱ (۱۹۸۸)؛ به نقل از تقییان و قاسمی مروج، ۱۳۹۹، ص ۲۷) نشان دادند که در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقش انعطاف‌پذیر و روابط صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش‌های هیجانی کمتری را تجربه کنند؛ در واقع توانایی برقراری ارتباط مؤثر به‌عنوان محوری برای استقرار رابطه زناشویی خوب در نظر گرفته می‌شود و تصور بر این است که

1. Ker & Yulan

کیفیت ارتباط همسران، رضایت آنها از رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آریایی آذر و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۵۵). همچنین سان و همکاران (۲۰۱۹، ص ۱) معتقدند هنگامی که در یک خانواده، تمایز یافتگی خود یعنی صمیمیت و استقلال از تعادل خارج شود، مرزهای خانواده نامعتبر می‌شود. نتایج پروندی و همکاران (۱۳۹۵، ص ۵۴) نیز نشان داد که مرزهای ارتباطی خانواده با رضایت زناشویی رابطه معناداری دارد. اکرامی و همکاران (۱۳۹۸، ص ۵۷) با بررسی رابطه میان مهرورزی و رضایت زناشویی در دانشجویان خانم به وجود رابطه معنادار میان این دو متغیر اذعان کرده‌اند. چراغی و همکاران (۱۳۹۴، ص ۹۹) سطح رضایت از زندگی زوجین را براساس کیفیت مرزگذاری و ارتباط آنها با دو خانواده اصلی سنجیده و کیفیت این رابطه را بر سطح رضایت زناشویی مؤثر دانسته‌اند. ملکی‌ها و همکاران (۱۳۹۲، ص ۱۶۱) تعارض مدیریت کار خانه (مرزهای درونی و بیرونی) را بر سطح رضایت زناشویی همسران مؤثر معرفی کرده‌اند. جان‌بزرگی (۱۳۹۵، ص ۹) در پژوهش مداخله‌ای خود بر چهل زوج، تأثیر خانواده‌درمانی سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده دست یافت.

رابطه بین رضایت زناشویی و تمایز یافتگی خود یک رابطه خطی نیست و برخی از متغیرها همچون مرزهای خانواده می‌توانند نقش واسطه‌ای معنادار ایفا کند؛ از این رو درک روابط بین متغیرها کمک می‌کند تا بتوان راهکارهای اساسی را به منظور بهبود و ارتقای رضایت از زندگی زناشویی تدوین و طراحی کرد. همچنین زوجین در زندگی زناشویی خود با مشکلات و تنش‌های مختلفی روبه‌رو شده، و حل و فصل نکردن مناسب و کارآمد این مشکلات موجب کاهش رضایت از زندگی زناشویی می‌شود. با توجه به آثار جبران‌ناپذیری که نارضایتی زناشویی بر خانواده و فرزندان می‌گذارد و نیز اهمیت حفظ کانون گرم خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن، پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل رضایت زناشویی براساس تمایز یافتگی خود با نقش میانجی مرزهای خانواده در زوجین شهر تهران انجام گرفت.



شکل ۱: مدل فرضی پژوهش

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین شهر تهران در سال ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۶۶ نفر انتخاب شدند. کلاین^۱ (۲۰۱۵) معتقد است در مدل‌یابی معادلات ساختاری برای هر متغیر ۱۰ یا ۲۰ نمونه لازم است، اما حداقل حجم نمونه ۲۰۰ قابل دفاع است؛ به‌هرحال در تحلیل عاملی تأییدی حداقل حجم نمونه براساس عامل‌ها تعیین می‌شود نه متغیرها. اگر از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شود، حدود ۲۰ نمونه برای هر عامل (متغیر نهفته) لازم است (جکسون، ۲۰۰۳). در این مطالعه ۱۸ متغیر آشکار وجود داشت که اگر برای هر متغیر ۲۰ نفر هم در نظر گرفته شود، تعداد ۳۶۰ نفر نمونه مناسب است. ملاک‌های ورود شامل داشتن رضایت آگاهانه از حضور در پژوهش، داشتن سواد دست‌کم دیپلم و توانایی پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش و نداشتن اقدام به طلاق و ملاک‌های خروج نیز شامل نارضایتی از شرکت در پژوهش و اشکال در هریک از ملاک‌های ورود بود.

ابزار پژوهش

پرسشنامه رضایت زناشویی با رویکرد اسلامی: این پرسشنامه را جدیری و همکاران (۱۳۹۶) ساخته‌اند. گزینه پرسش‌ها در این مقیاس عبارت‌اند از: همیشه، اغلب اوقات، گاهی، به ندرت و هرگز. این پرسشنامه دارای دو بخش شخصیتی و مهارت‌های زناشویی و پنجاه پرسش است. بخش مهارت‌های زناشویی شش عامل دارد: ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت، ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی، ارتباط جنسی، پابندی مذهبی، رفت و آمد فامیلی و مدیریت مالی. آلفای کرونباخ برای این بخش پرسشنامه برابر ۰/۷۸ است. بخش شخصیتی نیز دارای سه عامل روان‌آزرده‌خویی همراه یا موافق و بدبین یا پارانویاگونه می‌باشد. آلفای کرونباخ برای این بخش از پرسشنامه برابر با ۰/۹۰ است؛ همچنین ضرایب اسپیرمن براون در صورت تساوی و عدم تساوی تعداد گویه‌ها ۰/۸۱۶ و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۱۵ است (جدیری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

سیاهه تمایز یافتگی خود:^۳ این سیاهه به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به‌کار می‌رود. اسکورون^۴ (۲۰۰۰) آن را ساخته است که ۴۶ ماده دارد و از چهار خرده مقیاس تشکیل شده است:

1. Kline
2. Jackson
3. Differentiation of Self Inventory (DSI)
4. Skowron

«واکنش‌پذیری عاطفی»، «جایگاه من»، «گریز عاطفی» و «هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران». هر ماده بر یک مقیاس شش درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. ابتدا در مورد من صحیح نیست = ۱-۲-۳-۴-۵-۶ = کاملاً در مورد من صحیح است. حداقل امتیاز ممکن ۴۶ و حداکثر ۲۷۶ خواهد بود. نمره بین ۴۶ تا ۱۱۵: میزان تمایز یافتگی افراد پایین است. نمره بین ۱۱۵ تا ۱۶۱: میزان تمایز یافتگی افراد متوسط است. نمره بالاتر از ۱۶۱: میزان تمایز یافتگی افراد بالا است. روایی این سیاهه مورد تأیید متخصصان بوده و در پژوهش‌های اسکورن (۲۰۰۰، ص ۱) و اسکورن و اسمیت^۱ (۲۰۰۳، ص ۲۰۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) اعتبار کل آزمون ۰/۹۲ و اعتبار خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه شد. هنجاریابی این سیاهه در ایران توسط فخاری و همکاران (۱۳۹۳) ۰/۷۸ به دست آمد؛ همچنین روایی سازه سیاهه در مطالعه پاشاشریفی و همکاران (۱۳۹۳، ص ۹) با تحلیل عاملی بررسی شد که مقدار کفایت نمونه برداری (KMO) برابر با ۰/۷۷۱ بود.

پرسشنامه مرزهای خانواده: این پرسشنامه ۱۶۴ سؤالی توسط هوشیاری و همکاران در سال ۱۴۰۰ براساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است و دارای ۵ مرز مرتبه اول، ۱۵ مرز مرتبه دوم و ۶۴ مرز مرتبه سوم می‌باشد. مرزهای مرتبه اول عبارت‌اند از: مرزهای عام، مرزهای درونی زوجینی، مرزهای درونی والدینی، مرزهای درونی خواهران-برادران و مرزهای برونی خویشاوندی. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۷۵ و برای مرزهای عام ۰/۸۸۴، مرزهای زوجینی ۰/۹۲، مرزهای والدینی ۰/۹۲۵، مرزهای خواهران-برادران ۰/۷۸۹ و مرزهای بیرونی ۰/۷۶۱ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها؛ پرسشنامه ۱۶۴ گویه‌ای بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی، تأییدکننده روایی سازه پرسشنامه و مرزهای خانواده است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی پرسشنامه مرزهای خانواده است. به‌عنوان شاهدهی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان با هم مقایسه شد. نتایج نشان داد به صورت معناداری میانگین نمره مرزهای خانواده در گروه پاسخ‌گویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی می‌باشد و پرسشنامه به خوبی توانسته است بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک کند. نمره‌گذاری گویه‌های این پرسشنامه به صورت لیکرت چهار درجه‌ای است؛ بدین صورت که

1. Skowron & Schmitt

به اصلاً- بسیار کم، نمره ۱؛ کم، نمره ۲؛ زیاد، نمره ۳ و بسیار زیاد- همیشه، نمره ۴ اختصاص می‌یابد (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷).

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۴۳ نفر (۶۶/۴ درصد) زن و ۱۲۳ نفر (۳۳/۶ درصد) مرد بودند. ۸۷ نفر (۳۳/۶ درصد) زیردیپلم، ۱۵۷ نفر (۴۲/۹ درصد) دیپلم، ۵ نفر (۱/۴ درصد) کاردانی، ۷۱ نفر (۱۹/۴ درصد) لیسانس، ۲۱ نفر (۵/۷ درصد) فوق‌لیسانس و ۳ نفر (۸ درصد) دکتری بودند. میانگین سن افراد نمونه ۴۱/۸۱ سال و انحراف معیار سن ۵/۹۸ بود. در جدول ۱، میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی متغیرهای مورد استفاده در پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۱: شاخص‌های مرکزی و پراکندگی جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها N= ۳۶۶

متغیرها	میانگین ± انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
واکنش‌پذیری عاطفی	۶/۸۹ ± ۳۱/۷۰	-۰/۱۸	-۰/۱۷
جایگاه من	۵/۰۵ ± ۳۹/۲۷	-۰/۱۰	-۰/۳۶
گریز عاطفی	۶/۵۲ ± ۴۱/۱۹	-۰/۱۹	۰/۰۱
هم‌آمیختگی عاطفی	۵/۹۶ ± ۳۴/۴۲	۰/۰۸	۰/۱۷
تمایز یافتگی	۱۶/۶۵ ± ۱۴۶/۶۱	-۰/۰۶	۰/۰۵
مرزهای عام	۱۰/۲۸ ± ۱۲۷/۹۸	-۰/۴۰	-۰/۰۱
مرزهای زوجین	۱۷/۷۵ ± ۲۲۰/۷۸	-۰/۳۵	-۰/۱۰
مرزهای والدینی	۱۰/۹۷ ± ۱۱۴/۳۷	-۰/۷۰	۰/۶۷
مرزهای خواهران برادران	۳/۸۲ ± ۳۷/۶۴	-۰/۵۲	۰/۱۲
مرزهای بیرونی	۵/۰۱ ± ۴۶/۲۹	-۰/۴۶	۰/۰۶
مرزهای خانواده	۳۹/۱۰ ± ۵۴۷/۰۵	-۰/۲۷	-۰/۴۸
ارتباط جنسی	۵/۱۰ ± ۲۵/۵۸	-۱/۰۸	-۱/۳۷
ارتباط کلامی و غیرکلامی منفی	۴/۳۴ ± ۱۸/۸۰	-۱/۰۵	-۰/۷۴
ارتباط کلامی و غیرکلامی مثبت	۳/۸۷ ± ۱۰/۴۱	-۰/۷۰	-۰/۰۵
رفت و آمد فامیلی	۲/۸۳ ± ۱۱/۳۳	-۰/۴۰	-۰/۰۹
پابندی مذهبی	۱/۴۳ ± ۱۱/۱۳	-۱/۴۷	۰/۸۷
مدیریت امور مالی	۲/۲۱ ± ۹/۶۹	-۰/۹۶	-۰/۶۳
روان‌آزرده‌خویی	۷/۱۹ ± ۳۰/۰۵	-۰/۸۸	۰/۵۰
همراه یا موافق	۴/۱۸ ± ۲۴/۰۹	-۱/۳۵	۱/۷۶
بدبین	۲/۱۴ ± ۱۴/۵۳	-۱/۴۳	۱/۰۵
رضایت زناشویی	۲۲/۸۷ ± ۱۵۵/۶۰	-۰/۶۹	-۰/۰۴

نتایج

جدول ۱ نشان می‌دهد هیچ‌یک از متغیرهای پژوهش انحراف جدی از توزیع بهنجار ندارند و کجی توزیع نمره‌ها در دامنه (۲ و ۲-) و کشیدگی در دامنه (۳ و ۳-) قرار دارد؛ بنابراین می‌توان توزیع داده‌ها را بهنجار فرض کرد. از عامل تورم واریانس (VIF)، برای رابطه خطی بین متغیرهای پیش‌بین استفاده شد که مقادیر آن برای هر یک از متغیرها کوچک‌تر از ۱۰ بودند؛ همچنین آماره تحمل (Tolerance)، این پژوهش تقریباً ۰/۲ را نشان داد. برای شناسایی داده‌های پرت تک متغیری از جداول فراوانی استفاده شد که داده پرتی شناسایی نشد. در جدول ۲، ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳
۱. تمایز یافتگی	۱		
۲. مرزهای خانواده	۰/۳۲۸**	۱	
۳. رضایت زناشویی	۰/۲۹۸**	۰/۶۱۵**	۱

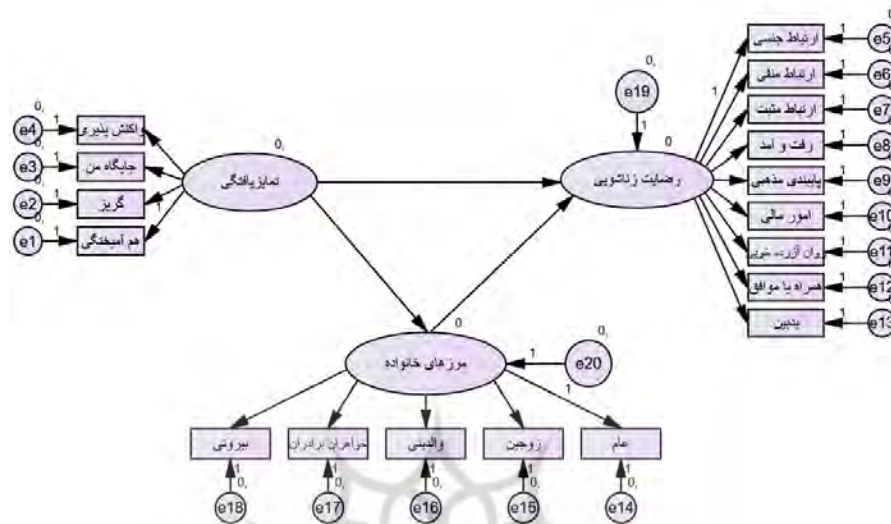
با توجه به نتایج جدول ۲، بین تمایز یافتگی و مرزهای خانواده با رضایت زناشویی در سطح ۰/۰۱ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش «آیا مدل تبیین رضایت زناشویی با توجه تمایز یافتگی و نقش میانجی مرزهای خانواده با داده‌های تجربی برازش دارد؟» از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار ایموس نسخه ۲۶ استفاده شد. جدول ۳، مهم‌ترین شاخص‌های برازش را نشان می‌دهد.

جدول ۳: شاخص‌های برازش در مدل

شاخص‌های برازش مدل	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	RMSEA
مقدار به‌دست آمده	۲/۶۲	۰/۹۲	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۵	۰/۰۷
حد قابل پذیرش	کمتر از ۳	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	بالاتر از ۰/۹	کمتر از ۰/۱

با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش که در جدول ۳ گزارش شده، برازش مدل پیش‌بینی رضایت زناشویی در سطح نسبتاً خوبی است و مدل مفهومی ارائه شده از نظر شاخص‌های برازش

مدل، چارچوب مناسبی را جهت بررسی رضایت زناشویی ارائه می‌دهد. شکل ۱، الگوی آزمون شده پژوهش حاضر همراه با ضرایب استاندارد مسیرها را نشان می‌دهد.



شکل ۲: الگوی آزمون شده همراه با ضرایب استاندارد مسیرها

چنان‌که در شکل ۱ مشاهده می‌شود؛ وجود رابطه بیانگر اثر مستقیم و غیرمستقیم تمایز یافتگی بر رضایت زناشویی است. در جدول ۴ اثرهای مستقیم متغیرها گزارش می‌شود.

جدول ۴: ضرایب مسیرهای مستقیم تمایز یافتگی و مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی

معناداری	نسبت بحرانی (C.R.)	خطای معیار (S.E)	ضریب بتا (β)	مسیرهای مستقیم
۰/۰۰۱	۳/۷۶۱	۰/۱۱۵	۰/۲۶۳	تمایز یافتگی ← مرزهای خانواده
۰/۰۰۳	۲/۹۹۳	۰/۰۳۹	۰/۱۷۱	تمایز یافتگی ← رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۶/۸۶۹	۰/۰۳۷	۰/۵۶۴	مرزهای خانواده ← رضایت زناشویی

با توجه به جدول ۴، مسیرهای مستقیم بین تمایز یافتگی با رضایت زناشویی ($p(۰/۰۰۳)$) و مرزهای خانواده ($\beta(۰/۱۷۱)$) و $p(۰/۰۰۱)$ معنادار است. جهت بررسی اثر متغیر میانجی مرزهای خانواده در رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی از آزمون بوت استروپ در برنامه ماکرو استفاده شد.

جدول ۵. نتایج بوت استروپ بین کارکردهای اجرایی بر رضایت زناشویی با نقش میانجی مرزهای خانواده

سطح اطمینان ۰/۹۵		بوت	ضریب مسیر	مسیر غیرمستقیم
حد بالا	حد پایین			
۰/۳۴۸	۰/۱۷۸	۰/۰۴۲	۰/۲۶۰	تمایز یافتگی ← مرزهای خانواده ← رضایت زناشویی

در جدول ۵ نتایج بوت استروپ آمده است؛ در این روش، اگر حد بالا و پایین این آزمون هر دو مثبت یا هر دو منفی باشند و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد، مسیر علی غیرمستقیم معنادار خواهد بود. این قاعده در مورد مرزهای خانواده بر رضایت زناشویی با نقش میانجی مرزهای خانواده صدق می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت مرزهای خانواده در رابطه بین تمایز یافتگی خود با رضایت زناشویی زوجین نقش میانجی ایفا می‌کند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل رضایت زناشویی براساس تمایز یافتگی خود با نقش میانجی مرزهای خانواده در زوجین انجام گرفت. نتایج نشان داد که تمایز یافتگی خود با مرزهای خانواده رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته با برخی از نتایج غنی‌پور اجراآباد (۱۴۰۱)، ساعدی و آزادیکتا (۱۴۰۰)، باقری و همکاران (۱۳۹۹)، شقاقی و همکاران (۱۴۰۰)، ایشیک و همکاران (۲۰۲۰) و چانگ و گیل^۱ (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که از سطح مناسب تمایز یافتگی بهره‌مند هستند، خود رهبرند و به احساسات و افکار خود واقف‌اند؛ در حالی که افراد تمایز نیافته از لحاظ عاطفی به دیگران وابسته‌اند و به سختی برای خود فکر، احساس و عمل می‌کنند (ایشیک و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۲۳۶)؛ در واقع درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت خودکار رفتار از احساسات بیانگر میزان تمایز یافتگی خود می‌باشد و هدف اصلی آن توازن میان احساسات و شناخت است. بدین ترتیب افراد بیشتر تمایز یافته تمایل دارند تا خودمختاری در روابط داشته باشند و صمیمیت بیشتری در روابط خود بدون غرق شدن در احساسات تجربه کنند. این ویژگی‌های افراد تمایز یافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و فرزندان و افزایش صمیمیت میان آنها و تقویت مرزهای ارتباطی بین اعضای خانواده می‌شود (غنی‌پور اجراآباد، ۱۴۰۱، ص ۸). از سوی دیگر با در نظر گرفتن مفهوم تمایز یافتگی که در دو سطح درون فردی (تعادل میان عقل و احساس) و سطح بین فردی (تعادل میان وابستگی و خودمختاری) معنا می‌یابد، چگونگی اضطراب افراد را

1. Chung & Gale

در مدیریت مشکلات هیجانی و روابطشان توصیف می‌کند (شقایق و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۶). می‌توان عنوان کرد که افراد تمایز یافته در مواقع بحرانی و موقعیت‌های هیجانی دشوار، هم می‌توانند تعادل میان احساس و تفکر را حفظ کنند و بدون آمیختگی هیجانی شدید واکنش‌های منطقی از خود نشان دهند (در سطح درون فردی) و هم در چنین موقعیت‌هایی می‌توانند با حفظ هویت فردی و خودمختاری خود در رابطه به حل تعارضات پرداخته، و نیازی به اجتناب و فاصله‌گیری هیجانی برای دوری از تعارض ندارند (در سطح بین فردی)؛ بنابراین افراد بیشتر تمایز یافته می‌توانند خودمختاری و نیز صمیمیت بیشتری در روابط خود با همسر و فرزندان‌شان بدون غرق شدن در احساسات داشته باشند (چانگ و گیل، ۲۰۰۹، ص ۲۱). در تبیین دیگر می‌توان گفت تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند؛ همچنین تمایز یافتگی از ایجاد تنش در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آنها را مهیا می‌سازد تا مشکلات موجود را با عقل و منطق رفع کنند که همین امر سبب بالا بردن کیفیت روابط می‌شود. در واقع تمایز یافتگی نوعی تعادل بین دو نیروی با هم بودن و فردیت ایجاد می‌کند و در نتیجه نوعی توازن بین حفظ استقلال و تداوم ارتباط با دیگران برقرار می‌شود که در نهایت می‌تواند مرزهای بین افراد را تحت تأثیر قرار دهد (بهادری و ریگی، ۱۳۹۷، ص ۳۵). از سویی تمایز یافتگی تا حد زیادی به نوع الگوهای ارتباطی فرد با اعضای خانواده اصلی مربوط می‌شود که این الگوها بر اساس رمزگردانی و رمزگشایی پیام‌هایی شکل می‌گیرد که بین افراد خانواده رد و بدل می‌شود و در نحوه به کارگیری داده‌ها در تعاملات آینده فرد به کار می‌رود؛ بدین مفهوم که این الگوها و مهارت‌های ارتباطی در مورد بیشتر امور زندگی و در بهبود فضای روانی خانواده، به‌ویژه مرزهای بین افراد می‌تواند تأثیرگذار و کارآمد باشد (مام صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵).

یافته دیگر این پژوهش گویای این بود که تمایز یافتگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته با نتایج نصرزاده و صداقتی فرد (۱۴۰۰)، ساداتی و همکاران (۱۳۹۳)، موزاس-آلونسو و همکاران (۲۰۲۲)، فینزی دوتان و شیف (۲۰۲۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان عنوان کرد افراد با تمایز یافتگی بالا به هیجان‌ات خود آگاهی دارند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند. این افراد توانایی رشد من مستقل را در روابط صمیمانه دارند و می‌توانند در روابط عمیق و روابط زناشویی آرامش و راحتی خود را حفظ کنند و از امتزاج و گسلس عاطفی برای تعدیل تنش‌های درون خود اجتناب کنند. افراد با سطح تمایز بالا در ازدواج، پختگی هیجانی دارند، انعطاف پذیرند، توان برقراری و ادامه روابط صمیمانه با یکدیگر را دارند و می‌توانند از آن لذت ببرند. مجموعه این عوامل موجب می‌شود آنها در زندگی مشترک خود احساس فرسودگی

نکنند و احساس رضایت زیادی را داشته باشند (نصرزاده و صدراقتی فرد، ۱۴۰۰، ص ۵۲). در واقع در نظام‌های زناشویی تمایز یافته همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند؛ به سخن دیگر برای اینکه مشکلات کمتری داشته باشند، در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند که این ویژگی‌های افراد تمایز یافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش رضایت زناشویی و سازگاری روان‌شناختی بهتر آنها می‌شود (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۳). در این راستا موزاس-آلونسو و همکاران (۲۰۲۲، ص ۱) معتقدند افرادی که تمایز یافتگی پایینی دارند، در برقراری صمیمیت مشکل دارند که یکی از اجزای اصلی روابط زوجین است؛ به این ترتیب فاصله‌گذاری فیزیکی یا عاطفی می‌تواند گفتگو، محبت، تعهد، توانایی حل تعارضات زوجین و در نهایت رضایت زناشویی را به خطر بیندازد. در تبیین دیگر می‌توان گفت زوج‌های تمایز نیافته قادر نیستند فردیت و استقلال خود را از خانواده پدری خود حفظ کنند و احتمال بیشتری دارد تا ازدواج آنها به شکست بینجامد. میزان تمایز یافتگی در سطح متوسط تا بالا به فرد این امکان را می‌دهد که بدون ترس از آمیختگی با دیگران تعامل داشته باشد. افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، آنها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های به شدت عاطفی که در بیشتر افراد به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیم‌های نافرجام می‌انجامد، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند (بون، ۲۰۱۷، ص ۱۷)؛ همچنین افراد کمتر تمایز یافته یا به همجوشی با دیگران متمایل می‌شوند و به این ترتیب با جدایی از افراد مهم از پا در می‌آیند و یا اینکه به جدایی عاطفی تن می‌دهند و بنابراین هنگام مواجه شدن با صمیمیت عاطفی واکنش اضطرابی نشان می‌دهند. افراد تمایز نیافته در برابر رفتار دیگران، بخش عمده انرژی‌شان را صرف تجربه، بیان و تشدید عواطف‌شان می‌کنند؛ در برابر آن، افراد تمایز یافته شاید عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما به واسطه این عواطف تحلیل نمی‌روند. واکنش این دسته از افراد کنترل شده است؛ زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز نیافته از دیگران فاصله عاطفی می‌گیرند در حالی که افراد تمایز یافته ضرورتی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند و این عوامل به سازگاری بیشتر فرد با رفتارهای ناپسند همسر و در نتیجه افزایش رضایت مندی زناشویی می‌انجامد (آریایی آذر و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۳۶۴).

از دیگر نتایج پژوهش حاضر این بود که مرزهای خانواده با رضایت زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد. این یافته با برخی از نتایج شاهسوار و کچویی (۱۳۹۸)، تقییان و قاسمی مروج (۱۳۹۹)، هوشیاری و همکاران (۱۳۹۹)، روسو^۱ و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده رسیدن به آرامش است و بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن همچون اصل تشکیل آن، مورد توجه سیستم خانواده قرار گیرد (صفورائی پاریزی، ۱۳۸۸، ص ۸۸). تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است. توجه به مرزهای خانواده در این میان اهمیت بسزایی دارد و بهنجار بودن مرزهای خانواده به صورت طبیعی با کارآمدی خانواده و رضایت از زندگی ارتباط خواهد داشت؛ زیرا تعاملات قانونمند اعضای خانواده به حفظ ساختار، دخالت نکردن دیگران، پیوستگی و مشارکت بیشتر اعضای خانواده، حفظ و تقویت فردیت اعضا و کل سیستم خانواده و توانمندی اعضا در حل بحران‌های داخلی خانواده خواهد شد که در نهایت برآیند کلی آن کارآمدی بیشتر فردی و خانوادگی و رضایت زناشویی خواهد بود (شاهسوار و کچویی، ۱۳۹۸، ص ۴۹).

از سویی براساس یافته‌های روان‌شناختی، کارکردهای مرز در خانواده عبارت‌اند از: تمایز سیستم و زیرمنظومه‌ها، تعیین قوانین حاکم بر تعاملات، ایجاد ساختار سلسله مراتبی، تعیین گستره مسئولیت‌های فردی و انتظارات متقابل، ایجاد فضای اختصاصی روانی و فیزیکی برای افراد و بازداشتن دیگران از ورود به آن حریم‌ها؛ براین اساس مرزهای خانواده با تکیه بر این کارکردها می‌تواند بر تقویت عملکرد و کارکرد خانواده و نیز رضایت از زندگی اعضای خانواده تأثیرگذار باشد (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۲). همچنین در صورتی که تعامل با زیرمنظومه‌های بزرگ‌تری همچون خانواده گسترده و دوستان براساس قواعد موجود در مرزهای بیرونی خانواده باشد، می‌تواند مانع بروز مشکلات فردی و خانوادگی، تسهیل نقش‌آفرینی اعضای خانواده، دریافت حمایت‌های اجتماعی و درنهایت سبب کارآمدی خانواده و ارتقای رضایت زناشویی شود (شاهسوار و کچویی، ۱۳۹۸، ص ۵۰).

یافته مهم به دست آمده از مدل بیانگر این بود که مرزهای خانواده در رابطه بین تمایز یافتگی خود با رضایت زناشویی زوجین شاغل نقش میانجی ایفا می‌کند؛ یعنی افزون بر اینکه مرزهای خانواده به طور مستقیم رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به صورت غیرمستقیم نیز نقش مهم خود را مابین دو متغیر مستقل و وابسته ایفا می‌کند. این یافته با برخی از نتایج غلامعلی

1. Russo

پورجاغرق (۱۴۰۰)، لیکانی (۲۰۱۳)، ساعدی و آزادیکتا (۱۴۰۰)، روسو و همکاران (۲۰۱۸)، تقییان و قاسمی مروج (۱۳۹۹)، باقری و همکاران (۱۳۹۹)، شقاقی و همکاران (۱۴۰۰)، ایشیک و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که سطوح بالاتر تمایز یافتگی خود با پیامدهایی همچون سطوح بالاتر عملکرد کلی، روانی و فیزیولوژیکی در ارتباط است و افراد تمایز یافته، تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند؛ آنها می توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت های به شدت عاطفی که در بیشتر افراد به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیم های نافرجام می انجامد، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم گیری کنند که این فرایند منتهی به تقویت جنبه های ارتباطی اعضای خانواده و یکپارچگی کل خانواده می شود (ساعدی و آزادیکتا، ۱۴۰۰، ص ۳۷). در حقیقت زن و شوهرهایی که به یک اندازه از سطوح بالای تمایز یافتگی برخوردارند، قادرند که فردیت روشنی را به وجود آورند و آن را حفظ کنند و همزمان صمیمیت عاطفی پخته، قوی و غیر تهدید آمیزی داشته باشند (غلامعلی پورجاغرق، ۱۴۰۰، ص ۵)؛ همچنین به نظر لیکانی^۱ (۲۰۱۳، ص ۱۲) در روابط زناشویی تمایز یافتگی بالا فرد را قادر می سازد تا برای بهزیستی بین خود و همسرش مرزها را تنظیم کند و فرصت انجام آن را برای طرف مقابل فراهم سازد. مرزهایی که حدود فیزیکی و روانی خانه و خانواده را برای اعضا و دیگران مشخص می کند و ارتباطها را سامان می دهد. این حدود فیزیکی خانواده را از سایر سیستم های بیرونی و تعاملات اعضا با بیرون و تعاملات دیگران با این خانواده نظام مند خواهد کرد، موجب ایجاد حریم خصوصی برای خانواده و اعضای آن می شود و کیفیت و کمیت ورود به حریم های خصوصی را روشن می کند؛ همچنین مرزهای خانواده سبب قانونمندی تعاملات کلامی اعضای خانواده و جهت دهی گفتگوها خواهد شد و ساختار و محتوای گفتگوها را معین می کند و در نتیجه با تأثیر بر تمام کنش و واکنش های درونی و بیرونی خانواده می تواند سبب ارتقای رضایت زناشویی در زوجین شود (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۳)؛ از این رو مرزها باید روشن و مشخص باشد به گونه ای که اعضای هر زیرنظام بتوانند نقش خود را در چارچوب قواعد ساختاری بدون مزاحمت دیگر نظام ها ایفا کنند و در ضمن آن با اعضای زیرنظامها ارتباط سازنده و متقابل داشته باشند. از دیدگاه مینوچین یکی از عوامل اختلال در کنش وری ارتباطی خانواده وجود مرزهای ناسالم است که به اختلال در کارکرد نظام و زیرنظام های خانواده می انجامد و نارضایتی اعضا را به وجود می آورد؛ به همین سبب وی ایجاد مرزهای سالم و پایبندی اعضا به آن را مهم ترین روش برای ارتباط مطلوب میان اعضا و رضایت زناشویی قلمداد می کند

1. Likani

(صفورائی پاریزی و فامیل دردشتی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۵). افزون بر این خانواده‌های غیر سالم به دلیل نقص در الگوهای ارتباطی در تعاملات درونی بین اعضا و روشن نبودن مرزها با مشکلاتی جدی روبه‌رو می‌شوند که این مشکلات موجب گفت و شنود محدود بین آنها می‌شود و در نتیجه می‌تواند بر رابطه و رضایت زناشویی زوجین تأثیر منفی داشته باشد؛ در مقابل آن، در خانواده‌های سالم کفایت الگوهای ارتباطی متنوع و مؤثر و روشن بودن مرزها، زمینه و شرایط مطلوبی را برای تأمین و اجابت احساس‌ها و نیازهای زوجین فراهم می‌کند که موجب تسهیل ابراز خود، افکار و احساسات و در نتیجه منتهی به بهبود و ارتقای رابطه جنسی رضایت‌بخش در زوجین می‌شود. پس به نظر از یک سو نبود تمایز یافتگی خود در هریک از زوجین و از سوی دیگر استفاده زوج‌ها از الگوهای ارتباطی غیر مؤثر در روابط بین خود و نداشتن مرزهای مشخص می‌تواند به یقین، درک و فهم درست زوجین را در زمینه احساس‌ها و نیازهای یکدیگر کاهش دهد و رضایت زناشویی آنها را پایین آورد (مام‌صالحی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۶۵). از سوی دیگر زوجین دارای مرزهای مشخص از الگوهای ارتباطی سازنده‌ای در روابط زناشویی خود استفاده می‌کنند، در صورت بروز مشکل و تعارض در روابط زناشویی به راحتی درباره مسائل و تعارضات خود گفتگو می‌کنند و به دنبال راه‌حل آن برمی‌آیند و از واکنش‌های غیر منطقی و پرخاشگری اجتناب می‌کنند؛ همچنین هریک از زوجین می‌کوشند در مورد مشکل خود حرف بزنند، احساسات خود را نسبت به هم ابراز و همدیگر را درک کنند و در نتیجه رضایت زناشویی بهتری را تجربه می‌کنند (معصومی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۵). پس در یک نگاه جامع، با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مرزهای خانواده به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی می‌تواند اثر غیر مستقیم، کارآمد، معنادار و مثبتی داشته باشد.

این پژوهش نیز مانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود: نتایج پژوهش محدود به زوجین شهر تهران است، پس باید در تعمیم آن به جوامع و شهرهای دیگر جانب احتیاط را رعایت کرد؛ افزون بر آن، مقطعی بودن پژوهش و استفاده از پرسشنامه‌های خودگزارشی برای سنجش سازه‌ها نیز از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بود. شاید در یک طرح طولی و با استفاده از روش‌های دیگر سنجش مثل مصاحبه و مشاهده رفتاری، بتوان روابط همبستگی و علی بین این متغیرها را بهتر بررسی کرد؛ همچنین با توجه به نقش و اثر تمایز یافتگی خود و مرزهای خانواده در زندگی زناشویی افراد، مشاوران و درمانگران حوزه خانواده می‌توانند با بسط و ارائه راهکارهای درمانی به منظور افزایش تمایز یافتگی خود و بهبود مرزهای خانواده در راستای ارتقای رضایت زناشویی و حفظ بنیاد خانواده قدم مؤثری بردارند.

منابع

۱. آریایی آذر، افسانه؛ منصوره السادات صادقی و فرشته موتابی (۱۴۰۰). بررسی تمایز یافتگی زوجین از خانواده اصلی و نقش آن در پیش‌بینی الگوهای ارتباطی و رضایت زناشویی در قومیت‌های مختلف ایران. خانواده پژوهی. س ۱۷، ش ۳، ص ۳۵۳-۳۶۸.
۲. اکرامی، کوروش و حمیدرضا قنبری (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین مهرورزی و رضایت زناشویی در دانشجویان خانم متأهل مؤسسه آموزش عالی حکمت رضوی. مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی. ش ۴۵، ۴۶-۵۷.
۳. باشی عبدالآبادی، حسین؛ قاسم آهی، مریم اصل‌ذاکر، فاطمه شهابی‌زاده و مریم نصری (۱۴۰۱). نقش میانجی خود تمایز یافتگی و تنظیم شناختی هیجان در ارتباط کیفیت روابط ابژه با رضایت زناشویی. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره. س ۱۲، ش ۲، ص ۲۵-۴۶.
۴. باقری، فاطمه؛ سیدعلی کیمیایی و حسین کارشکی (۱۳۹۹). صمیمیت زناشویی: نقش تعیین‌کننده تمایز یافتگی خود و نیاز به امنیت در زنان متأهل غیربالینی. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی. س ۱۱، ش ۴۲، ص ۲۶۱-۲۸۰.
۵. بهادری، لیلا و شهرزاد ریگی (۱۳۹۷). پیش‌بینی بخشش براساس تنظیم هیجانی و تمایز یافتگی خود در زنان شاغل. پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری. س ۱۰، ش ۳۶، ص ۲۶-۳۸.
۶. بیرامی، منصور (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. اصول بهداشت روانی. س ۱۴، ش ۵۳، ص ۶۶-۷۷.
۷. پاشا شریفی، حسن؛ داود معنوی‌پور و فاطمه عسکری (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تمایز یافتگی خود. روان‌شناسی تحلیلی شناختی. س ۵، ش ۱۸، ص ۹-۲۲.
۸. پروندی، علی؛ مختار عارفی و اسما مرادی (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی. آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده. س ۲، ش ۱، ص ۵۴-۶۵.

۹. تقییان، حسن و مهدی قاسمی مروج (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی براساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی. س ۳، ش ۱، ص ۲۱-۳۸.
۱۰. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۵). اثر خانواده درمانگری سیستمی معنوی بر رضایت زناشویی و کنش‌وری خانواده (الگوی مهر و قدرت). پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده. س ۴، ش ۶، ص ۹-۳۸.
۱۱. جدیری، جعفر؛ علی فتحی‌آشتیانی، فرشته موتابی و حمیدرضا حسن‌آبادی (۱۳۹۶). اثربخشی زوج درمانی با رویکرد اسلامی بر رضایت زناشویی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی. س ۱۱، ش ۲۰، ص ۷-۳۷.
۱۲. چراغی، مونا؛ زهرا بی‌غم، عباس ذبیح‌زاده، محمدرضا نیک‌فرجام و سجاد توسلی (۱۴۰۱). معنای مرز در روابط بین فردی برای ایرانیان: پژوهشی با روش تحلیل تناظر. راهبرد فرهنگ. س ۱۵، ش ۵۸، ص ۹۹-۱۲۵.
۱۳. چراغی، مونا؛ محمدعلی مظاهری، فرشته موتابی، لیلی پناغی، منصوره‌السادات صادقی و خدیجه سلمانی (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس کیفیت ارتباط همسران با دو خانواده اصلی. راهبرد فرهنگ. س ۸، ش ۳۱، ص ۹۹-۱۲۵.
۱۴. ساداتی، سید احسان؛ مهناز مهربانی‌زاده هنرمند و منصور سودانی (۱۳۹۳). رابطه علی تمایز یافتگی. نورزگرایی و بخشندگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. روان‌شناسی خانواده. س ۱، ش ۲، ص ۵۵-۶۸.
۱۵. ساعدی، محمداقبر و مهرناز آزادیکتا (۱۴۰۰). پیش‌بینی نگرش مثبت نسبت به تشکیل خانواده براساس تمایز یافتگی خود با نقش میانجی توانمندی ایگو. روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران. ش ۲۸، ص ۳۰-۴۰.
۱۶. شاهسوار، محبوبه و فرزانه کچویی (۱۳۹۸). پیش‌بینی کارآمدی خانواده براساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین. پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی. س ۲، ش ۲، ص ۳۵-۵۴.
۱۷. شقاقی، فاطمه؛ علی‌رضا آفایوسفی و حسن میرزاحسینی (۱۴۰۰). تدوین الگوی ساختاری کیفیت خانواده اصلی و گرایش به پیمان‌شکنی بین همسران با میانجی‌گری تمایز یافتگی خود. علوم روان‌شناختی. س ۲۰، ش ۱۰۸، ص ۲۳۲۷-۲۳۴۲.

۱۸. صفورائی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸). ساخت و اعتباریابی پرسش نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام. روان‌شناسی و دین، ش ۵، ص ۸۵-۱۰۸.
۱۹. صفورائی پاریزی، محمدمهدی و احمدرضا فامیل دردشتی (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای رضایت زناشویی در رابطه بین مرزهای خانواده و طلاق عاطفی. پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی. س ۸، ش ۱۷، ص ۱۱۱-۱۲۹.
۲۰. غلامعلی پورجاغرق، سمیه (۱۴۰۰). رابطه تمایز یافتگی خود و دلزدگی زناشویی معلمان زن مدارس ابتدایی. ایده‌های نوین روان‌شناسی. س ۸، ش ۱۲، ص ۸-۱.
۲۱. غنی‌پور اجرآباد، طاهره (۱۴۰۱). پیش‌بینی صمیمیت زوجین براساس تمایز یافتگی خود با نقش میانجی تعهد زناشویی. ایده‌های نوین روان‌شناسی. س ۱۲، ش ۱۶، ص ۱-۱۱.
۲۲. فخاری، نرگس؛ مرتضی لطیفیان و جلیل اعتماد (۱۳۹۳). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسشنامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی. فصلنامه اندازه گیری تربیتی. س ۴، ش ۱۵، ص ۳۵-۵۸.
۲۳. قاسمی، یوسف و الهام فتحی (۱۳۹۸). نقش تمایز خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی. زن و مطالعات خانواده. س ۱۲، ش ۴۶، ص ۷۷-۱۰۹.
۲۴. کیانی چلمردی، احمدرضا؛ مسعود اسدی، اصغر شیرعلی‌پور و الهام فتحی (۱۳۹۹). پرسشنامه مرزهای ارتباطی خانواده (RBQ): ساخت و هنجاریابی. روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه. س ۹، ش ۴، ص ۲۰-۳۳.
۲۵. مام‌صالحی، حسین؛ امید مرادی، مختار عارفی و یحیی یاراحمدی (۱۳۹۹). نقش واسطه‌ای الگوهای ارتباطی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و رضایت جنسی زوجین. روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران. س ۲۶، ش ۲، ص ۱۵۴-۱۶۹.
۲۶. معصومی، سمیرا؛ حمید رضاییان و سیمین حسینیان (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت جنسی براساس الگوهای ارتباطی زوجین. مطالعات زن و خانواده. س ۵، ش ۱ (پیاپی ۹). ص ۷۹-۱۰۱.
۲۷. ملکی‌ها، مرضیه، محمدرضا عابدی، ایران باغبان، عباس جوهری و مریم فاتحی‌زاده (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش مدیریت تعارض کار-خانواده بر رضایت زناشویی زنان شاغل دانشگاه اصفهان. دست‌آوردهای روان‌شناختی. س ۲۰، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۷۸.
۲۸. منتظری، رویا (۱۴۰۱). نقش خانواده‌های زوجین در سازگاری. ثبات و رضایت زناشویی همسران: یک مطالعه مروری. رویش روان‌شناسی. س ۱۱، ش ۱، ص ۱۹۹-۲۱۰.

۲۹. نصرزاده، زهرا و مجتبی صداقتی فرد (۱۴۰۰). پیش‌بینی خرسندی زناشویی براساس تمایز یافتگی خود و صمیمیت زوجین در دانشجویان متأهل. روان‌شناسی تحلیلی شناختی. س ۱۲، ش ۴۴، ص ۴۷-۵۵.
۳۰. نورپناه، مهدی؛ جعفر جدیری و محمدرضا بنیانی (۱۳۹۹). رابطه خوش‌بینی اسلامی و آخرت‌نگری با رضایت زناشویی اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی. س ۶، ش ۱۳، ص ۶۳-۸۴.
۳۱. هوشیاری، جعفر؛ حسن شکوری و سیدمجید حسینی کوهساری (۱۳۹۹). حدود و مرزهای روان‌شناختی خانواده با تأکید بر آیات مشتمل بر واژه حدودالله. مطالعات اسلامی زنان و خانواده. س ۷، ش ۱۳، ص ۷-۳۰.
۳۲. هوشیاری، جعفر؛ محمد مهدی صفورائی پاریزی، سید حمید جزایری و حسن تقیان (۱۴۰۰). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه سنجش مرزهای روان‌شناختی خانواده براساس قرآن کریم. مطالعات اسلام و روان‌شناسی. س ۱۵، ش ۲۸، ص ۷-۲۹.
33. Abidin, R. Z., Ismail, K., Hassan, S. S. S. & Sudan, S. A. (2018). Marital satisfaction. communication and coping strategy among Malaysian married couples: factors predictions and model testing. *Int. J. Eng. Technol.* 7. 408-414.
34. Bowen, M. (2017). Theory in the practice of psychotherapy. In: Guerin, P., [Eds.]. *Family: Theory and Practice*. (10th Edition). New York: Garner Press.
35. Calatrava, M., Martins, M. V., Schweer-Collins, M., Duch-Ceballos, C. & Rodríguez-González. M. (2022). Differentiation of self: A scoping review of Bowen Family Systems Theory's core construct. *Clinical Psychology Review*. 91. 102101.
36. Çelik, E., ÇELİK, B., YAVAŞ, Ş. & Süler, M. (2022). Investigation of Marital Satisfaction in terms of Proactive Personality. Meaning in Life. Offense-Specific Forgiveness. *International Journal of Psychology and Educational Studies*. 9(1). 1-11.
37. Chiş, R., Ignat, S., Rad, D. & Macsinga, I. (2022). The Mediation Role of an Individual's and Couple's Psychological Factors. Including Parenting in the Prediction of Relational and Marital Satisfaction. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 19(17). 11011.
38. Chung, H. & Gale, J. (2009). Family functioning and self-differentiation: A cross-cultural examination. *Contemporary Family Therapy*. 31(1). 19-33.

39. Dong, S., Dong, Q. & Chen, H. (2022). Mothers' parenting stress, depression, marital conflict and marital satisfaction: The moderating effect of fathers' empathy tendency. *Journal of affective disorders*. 299. 682–690.
40. Finzi-Dottan, R. & Schiff, M. (2022). Couple relationship satisfaction: The role of recollection of parental acceptance, self-differentiation and spousal caregiving. *Journal of Social and Personal Relationships*. 39(2). 179–197.
41. Givens, S. A. (2019). *The Relationship between Differentiation of Self, Computer-Mediated Communication Competency and Emotional Reaction to Not Receiving Texts in Predicting Relationship Satisfaction* (Doctoral dissertation, Capella University).
42. Graña, J. L., Cuenca, M. L. & Redondo, N. (2017). Relationship satisfaction and interpartner agreement about acts of physical and psychological aggression: a multilevel analysis. *BMC psychiatry*. 17(1). 1–9.
43. İnce, Ş. & Işık, E. (2022). The mediating role of five love languages between differentiation of self and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*. 50(4). 407–423.
44. Işık, E., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M. L. & Rodríguez-González, M. (2020). Differentiation of self predicts life satisfaction through marital adjustment. *The American Journal of Family Therapy*. 48(3). 235–249.
45. Johnson, M. D., Lavner, J. A., Mund, M., Zemp, M., Stanley, S. M., Neyer, F. J. ... & Grob, A. (2022). Within-couple associations between communication and relationship satisfaction over time. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 48(4). 534–549.
46. Kline, P. (2015). *A handbook of test construction (psychology revivals): introduction to psychometric design*. Routledge.
47. Lal, A. & Bartle-Haring, S. (2011). Relationship among differentiation of self, relationship satisfaction, partner support and depression in patients with chronic lung disease and their partners. *Journal of Marital and Family Therapy*. 37(2). 169–181.
48. Likcani, A. (2013). Differentiation and intimate partner violence. Dissertation for Doctor of Philosophy. College of Human Ecology. Kansas State University.

49. Mozas–Alonso, M., Oliver, J. & Berástegui, A. (2022). Differentiation of self and its relationship with marital satisfaction and parenting styles in a Spanish sample of adolescents' parents. *Plos one*. 17(3). e0265436.
50. Norton, A. M. & Baptist, J. (2014). Couple boundaries for social networking in middle adulthood: Associations of trust and satisfaction. *Cyber psychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace*. 8(4). 58–64.
51. Nunes, C., Martins, C., Leal, A., Pechorro, P., Ferreira, L. I. & Ayala–Nunes, L. (2022). The ENRICH Marital Satisfaction (EMS) Scale: A Psychometric Study in a Sample of Portuguese Parents. *Social Sciences*. 11(3). 107.
52. Peleg, O., Yaniv, I., Katz, R. & Tzischinsky, O. (2018). Does trait anxiety mediate the relationship between family patterns and quality of life? *The American Journal of Family Therapy*. 46(4). 341–355.
53. Rodríguez González, M., Lampis, J., Murdock, N. L., Schweer Clins, M. L. & Lyons, E. R. (2020). Couple adjustment and differentiation of self in the United States, Italy, and Spain: A cross cultural study. *Family process*. 59(4). 1552–1568.
54. Rodríguez González, M., Schweer Clins, M., Bell, C. A., Sandberg, J. G. & Rodríguez arango, C. (2019). Family functioning, family structure and differentiation of self in heterosexual Spanish couples: An actor–partner analysis. *Journal of Counseling & Development*. 97(2). 209–219.
55. Russo, M., Ollier–Malaterre, A., Kossek, E. E. & Ohana, M. (2018). Boundary management permeability and relationship satisfaction in dual–earner couples: The asymmetrical gender effect. *Frontiers in Psychology*. 9. 1723.
56. Skowron, E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of counseling Psychology*. 47(2). 229.
57. Skowron, E. A. & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*. 29. 209–222.
58. Sun, S. H., Shih, H. J. & Tsai, M. H. (2019). The balance between intimacy and autonomy in family relationship. *Chinese Journal of Guidance and Counseling*. 56. 1–15.

59. Wang, S., Kim, K. & Boerner, K. (2018). Personality. similarity and marital quality among couples in later life. *Personal Relationships*. 25. 565–580.
60. Whisman, M. A., Gilmour, A. L. & Salinger, J. M. (2018). Marital satisfaction and mortality in the United States adult population. *Health psychology: official journal of the Division of Health Psychology. American Psychological Association*. 37(11). 1041–1044.
61. Whisman, M. A., Sbarra, D. A. & Beach, S. R. (2021). Intimate relationships and depression: Searching for causation in the sea of association. *Annual Review of Clinical Psychology*. 17. 233–258.
62. Yavuz Güler, Ç. & Karaca, T. (2021). The role of differentiation of self in predicting rumination and emotion regulation difficulties. *Contemporary Family Therapy*. 43(2). 113–123.

